

مدیر کلی

جلال‌الدین‌الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل‌المتین)
عنوان مراسلات
طهران خیابان لاله زار
نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

هفت‌المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)

در طهران حد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

چهارشنبه ۲۷ شوال المکرم ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۸ آذرماه جلالی ۸۲۹ و ۴ دسامبر ۱۹۰۷ میلادی

ثروت

ثروت بهترین وسائل راحت و نیکوترین اسباب
نشاط است، و در پناه ثروت هر ملت استقلال خود را
تحصیل میکنند و شرف خویشرا محافظت مینمایند،
بتوسط ثروت ملل عالم درجات ترقی را طی کرده در
میان اهل علم سر بلند و نام آور میشوند ملت فقیر را
در انظار هیچ وقع و اعتبار نیست اگر چه آزاد و مستقل
باشند، انسان بی ثروت از تدارک لوازم حیات شخصی
و نوعی عاجز است و بر تهیه اسباب سعادت و عزت
قادر نیست پس هر چند چنین ملت و دولتی دارای آب
و خاک زیاد و جمعیت بسیار باشند طبعا از سایر طوائف
عقب و از دیگر ممالک در تمدن و تقدم پست ترند
و بانها در موارد لازمه محتاج میشوند، هیچ دلیلی از
برای اثبات این مدعی محکمتر از ملاحظه حال دولت
روس نیست که مساحت خاکش تقریباً سصدس همه روی
زمین است یعنی اگر این کره روی زمین را شش قسمت
کنیم یکی از آن شش سهم متعلق بدولت روس است
و احاطه کرده است بر تمام شمال دنیای قدیم و از کنار
دریای بالتیک در طرفی مغرب دراز شده است تا کنار
دریای چین در مشرق اقصی و جمعیتش قریب بدویست
و شصت کرور نفوس بشر است و زیاده از ده میلیون
قشون در وقت جنگ میتواند حاضر کرد و بقدری در
تدارک قوای جنگی ماعی است که بقدر نصف بودجه را
تقریباً صرف وزارت جنگ مینماید، با این همه امروز
بواسطه نداشتن ثروت طوری خلل در ارکان ملکش راه
یافته که در اصلاح آنها گرفتار انواع مصائب میگردد

و بگذرد و شصت میلیون منات یا صدو شصت کرور تومان
کسر مخارج دارد و کمی ثروت ملت روسی اجازت
نمیدهد که مالیاتی تازه بر قرار نموده و زمیته خالیرا
پر کند بناچار وزیر مالیه خود را بفرانسه فرستاده تا
در پرده از ظواهر احوال کشف میزان اعتبار خود را
نموده از وضع ظاهر بفهمد که آیا ممکن است قرضی
تازه گرفته یکمقداری پول بداخله روسیه وارد کند یا
خیر اعتباری باقی نیست و نتیجه آن شد که وزیر خارجه
فرانسه صریح جواب داد که تا ما اطمینان از اوضاع
پلتیکی روس پیدا نکنیم ممکن نیست دیتاری دیگر
قرض بدهمیم

اما از طرفی دیگر ملاحظه میکنیم که در
انازونی امریکا بمحض آنکه يك اندکی بحرانی
پیدا می شود فوراً از لندن و لیور پول و
منچستر و سایر بلاد انگلستان و نقاط دیگر اروپا
طلار را در کشتی بار کرده خروار خروار بانازونی
روانه میکنند —

وقتی انسان صاحب پول است کارهای بزرگ را
چنان بسهولت صورت میدهد که احدی مسیوق نمیشود
و زمانی که بی پول است در کارهای بسیار جزئی و
نافایل گرفتار هزار مشکلات میگردد — انگلیس در جنگ
بایور و اهالی ترا سوال موقوف بفتح و نصرت گردید
بسیب آن بود که حرکت دادن قشون و فرستادن لوازم
از قبیل اسلحه و توپ و تفنگ و آذوقه و ذخیره و
غیره را وجود پول زود فراهم مینمود و هر چه راطلب
میکردند بی درنگ ارسال میشد دولت انگلیس در انجنگ
از هر جهت دویست و بیست و پنج میلیون لیره

ایران دوهزارو دوست و پنجاه کور تو مان باشد
مخارج نوه و بقدر سر سوزنی در اعزاز روی خود
نیارود و کسی نهمید که این مبلغ عمده را از چهره
بدست آوردند و علتش آن بود که ملت را کثرت مکت
و بضاعت مانع از شکایت عدل و انصاف تازه وضع
گردد و کمرب بعضی اجناس را زیاد کردند و رویهم
بهریک هر انگلیسی سه لیره افتاد و این جزئی در نظر
ثروت آنها طوری ناقابل بود که در کمال سهولت
پرداختند اما دولت روس برای اداء مخارج جیکه ژاپون
از مرضی و اسراء آنها کرده کسر بودجه دارد و بواسطه
فقر و بی ثروتی ملت بر هیچ مالیاتی اضافه نمیتواند
بنماید لاجرم صدا بلند میشود و کوس رسوائی در
بازار صرافان اروپا زده و عاقبت نیز کاسیاب و مقضی
المرام نگردید — اگر هم بشما برنخورد میگوئیم که
برای حرکت دادن سه فوج سرباز بسرحد هزار مجلس
کرده هزار نقشه میریزیم و بر بودجه میافزائیم و از
ملت اعانه میخواهیم و باز افاده نمی بخشد چرا؟ بعات
انکه اصلا مات فقیر است و ثروت حسابی در مملکت
یافت نمیشود —

یگوتنی غالب مردم خصوص آنها که خود را اهل
علم و کمال میدانند ثروت را امری اتفاقی و منوط بقضا و قدر
و وقایع غیر مترقبه دانسته از تحت قانون منضبط صحیح
خارج پنداشته غالباً در حصول ثروت یافتن کنج و
جستن جواهر را تمنی میکردند و فلان حاجی و بهمان
اربابی که با وجود بی شعوری دارای مکت و ثروت زیاد
ند دلیل و شاهد میارزند و الحق این خیال نیز بر بر ربط
نیست لکن فرق است بین ثروت شخصی و ثروت
ملی، یکنفر آدم ممکن است بر حسب اتفاق بواسطه
یکترقی ناگهانی در قیمت جنس یا جستن دینه و امثال
انها صاحب ثروت زیاد شود یا بسبب یک احراق یا
غرق و غیره فقیر و پریشان کرده چنانکه عمده ثروت
خانواده (روچاد) در مملکت انگلستان بواسطه تنزل
سهام شد یعنی بنابرت ناپولیون در جنگ اخیر با قشون
دول متحده مشغول حرب بود رئیس خانواده روچاد
در حوالی میدان جنگ حضور داشت در اول دفعه فتح
تصیب ناپولیون گردید و خیر نگاران جراند و تاجار و
بانکها بجه اطرائی این خبر را منتشر کردند و سهام دولتی
فرانسه ترقی و مال آلمان و انگلیس تنزل نمود ولی
روچاد توفیق کرد و نتیجه جنگ را که شکست ناپولیون
و غلبه قشون انگلیس و گرفتاری بنابرت را تحصیل کرده
بسرعت هر چه تمامتر بانکستان مراجعت سهام فرانسه
را بقیمت اعلی فروخته و سهام سایرین را بقیمت بسیار

نازل خرید و مقدار زیادی ازین سهام را که مردم از
خود دور میگردند جمع نمود و بعد از دوروز حقیقت
امر معلوم شد و سهام مزبور ترقی کرد و ازین معامله
ملیونها بهامیل روچاد منفعت رسید چنانکه امروز اول
خانه ثروت را در اروپا خانه روچاد حساب مینمایند —
لکن صحبت مسا در ثروت یک ملت و یک
مملکت است نه اشخاص بدیسی است که جز اثر بر
یتانی بر حسب حادثه ناگهانی و اتفاق دومی صاحب ثروت
نشده اند و اهالی اتانزونی بسبب یافتن دینه اول متمول
دنیا نگر دیده اند بلکه مثل آدم حسابی منابع اصلی
ثروت را بدست آورده در سر چشمه کار کرده اند تا
آب ثروت مثل آب چشمه بزرگ یا شط عظیمی در جریان
آمده و تمام مزارع حیات شان را سیراب کرده است
اول چیزی که در نظر علماء فن پلٹیک اهمیت دارد
دانستن مقدار ثروت یک مملکت است خصوص در ممالک
مشروطه و جمهوری یعنی در جاهائیکه سلطنت و دولت
ملی است و قوه ملت حاکم عمده است زیرا که در اینگونه
ممالک ملت و دولت متحد و ثروت ملت منط اعتبار
دولت است و فرضیکه دولت مینماید بر ذمه افراد تعلق
میگیرد پس اگر ملت دارای ثروت زیاد باشد همه کس
بخوبی و میل از برای دادن یک مبلغی عمده حاضر
میشود و بعکس اگر ثروتی در دست ملت نباشد هر چند
دولت نافذ و معتبر باشد دادن قرض اشکال دارد مثلاً
روس در وقتی که مستقله بود میزان مالیه دولت و
راهمی آهنی و تلگراف و سایر امور متعلق بدولت
مایه اعتبار بود ولی امروز ثروت ملت مایه اعتبار است
و بدین سبب فرانسه برای دادن قرض حاضر نشد —
عمده ثروتیکه میتوان او را مایه اعتبار شمرد قیمت اراضی
است که عقار تغییر میکنند و زیاد شدن یا کم شدن قیمت اراضی
مدخلیت تازه در از دیاد و نقصان ثروت دارد و در همه جا
غنی و فقیر بودن یک ملت را باعتبار نسبت قرض
بقیمت املاک حساب میکنند مثلاً میخواهیم بهمیم ثروت
مصر زیاد شده یا کسر کرده اول نگاه میکنیم بقروض
که در سال ۱۸۹۵ که دوازده سال قبل باشد قریب
هشت ملیون لیره بود و اساله سی و دو ملیون شده
پس قرض چهار برابر ترقی کرده است ولی از طرف
دیگر می بینیم که در انوقت چهار ملیون و هفتصد هزار
فدان (جریب مصری است) زمین زراعت داشتند
و امروز پنج ملیون و ششصد هزار فدان دارند و
قیمت زمینهای زراعتی یکصد و بیست ملیون لیره بود
و امروز سیصد و پنجاه ملیون شده یعنی تقریباً سه برابر
بر ثروت آنها افزوده شده، انوقت قرض را بصرایه زمینی

نسبت میدهیم و مشاهده میکنیم که نسبت ۳۲ (۳۵۰) مثل نسبت نه است بصد پس در صد تومان سرمایه ملکی نه تومان قرض دارند دوست و سی میلیون بر ثروتشان افزوده و در برابر بیست و چهار میلیون بر قرضشان زیاد کرده — حال اگر قیمت اراضی مصر را با قرضش یا اراضی و قروض سایر دول معتبره بسنجیم خواهیم دید که مصر از تمام آنها قرضش کمتر و سرمایه ملکی اش بیشتر است چنانکه از جدول ذیل معلوم میشود

قیمت املاک	قرض	کشور
۱۰۰	۱۰	فرانسه
۱۰۰	۳۷	اطریش
۱۰۰	۳۰	آلمان
۱۰۰	۴۰	روسیه
۱۰۰	۵۰	انگلینس
۱۰۰	۳۷	نروژ
۱۰۰	۵۰	دانیمارک
۱۰۰	۱۷	انازونی امریکا
۱۰۰	۰۹	مصر

(تلگرافی مخصوص از مشهد)

کمیته انجمن مرکزی اداره حبل المتین فدای وطن حضور مبارک بلجاء و پناه که ملت تبیم و بیصاحب حضرات حجج اسلام و اعضاء محترم دارالشورای کبری دامت برکاتهم از قتل و غارت طایفه ضاله ترکمان صدای استغاثه سکنه حدود خراسان از آسمان هفتم گذشته جانان عرض خبر دار از اخبار تلگرافی اوراق روزنامه های اقلیم دنیا پر کشته قلب مبارک سلطان سریر ارتضا ملول و چشم مبارک حضرت حجته عجل الله فرجه اعک ریز اما برای مفرضین شفای سینه و روشنی چشم حاصل گویا در طهران منتظر ورود دشمن از دروازه مشهد هستند مگر پادشاه و و کلای ملت از تلگرافی که در این چند روز از حضرت ایالت و انجمن ایالتی و انجمنهای ولایتی و ملی مخابره شده مسبوق نیستند حق و کلای ملت و امنای دولت است از تلگرافخانه خواسته تدفیق فرمایند که چه قدر عدم همراهی از وزیر داخله ظاهر شده است ملت در شرف زوال و ایشان تمام این اخبار را واهی و غیره صحیح هنوز می دانند پرده ناموس ما دریده و خون برادران ماریخته و ایشان هنوز قابل اعتنا نمیشما رند مگر خراسان سکنه اش مسلمان نیست در این چند سال اسلحه بالکلیه نابود کشته از فرستادن قوه دفاعیه بجهت بود دلیل مضایقه میکند بیان فرمائید مگر تفنگ و فشنگ هائیکه از فرستادن خریده شده مثل اینجا

تاراج و یا اهل مملکت یاغی دولت است یا آنکه از این معبد مسلمانان چشم پوهیده اید خود دالید و فردای قیامت — شمارا باام زمان قسم میدهیم که ده هزار تفنگ و یک کرور فشنگ منجلا برای سوار و سر باز و حفظ مملکت بفرستید امضاء عموم طبقات خراسان انجمن سعادت — انجمن اثنی عشری — انجمن ذاکرین — انجمن مجاهدین — انجمن آستانه — انجمن سادات الحسینی مرتضوی

(حبل المتین)

سؤال و پرسش از حکیم غلط است شما حق ایراد ندارید لکن از فرائض خارجه چنین معلوم میشود منتظرند که پانصد قریه را ترکمان بچاپند چنانکه در فرستادن قشون و اسلحه بارومیه مترصد همین واقعه بودند که بحمد الله واقع شد و عثمانیان پانصد قریه را متصرف شدند بزرگان ما صاحب حوصله زیاد هستند چه معنی دارد بیک صد هزار تومان غارت و کشتار پانصد نفر شخص اینهمه قیل و قال کنند و رسوائی در آورد (العجابه من الشیطان)

(زنجان)

عقیده ما بر این بود که مستبد و ظالم در زنجان منحصر بجهانشاه خان است حال معلوم میشود اسعد الدوله نیز چندان بای کمی از او ندارد و رعیت بیچاره در بین دستهای این اشخاص واقع شده مثل لقمه چرب یا صید فربه که این ازینسو کشد و آن از انستش درد اگر بدین چسبند اینک متغیر شده از نهب و قتل دریغ نیارد و هر گاه خود را بان بک بندد این بر آشفته حمله کند و دود از دودمان رعیت مظلوم بدر آورد چنانکه از مفاد نظام نامه ذیل حقیقت این امر مفهوم میشود اگر چه ما را از واقع امر اطلاع نیست لکن عالم اسلامیت ما را مجبور بدرج این تظلم نامه مینماید و از اولیاء امور استدعا رسیدگی و تحقیق داریم تا واقع کشف شده و ظالم هر کس هست بجزای خود برسد —

(تظلم نامه رعایای ایل دلا غرده خمسه)

حضور مبارک مدیر محترم اداره حبل المتین دامت برکاتهم این بندکان ایل دلا غرده خمسه که از تندی و قتل و غارت اسعد الدوله چند روز است بدار الخلاله عارض آمده ایم نمیدانیم کجا باید رفت و بکه عارض شد در این شهر غریب نا بلد بی خرجی بی تکلیف مانده ایم شما را بحق خدا و رسول قسم میدهیم که اجمال عرایض ما را در روز نامه حبل المتین درج فرموده هاید ینگفر از حال ما مطلع و توجهن در احقاق حق این مظلومین به فرمایند این ایل را مدتی بود یاسعد الدوله سپرده بودند

(حبل المتین)

از عموم وقایع نگران و اخبار نویسان تمنا میکنند که در هر قضیه و خبری تحقیق و رسیدگی کامل نموده و بیان مطلب و صدق واقعه را کما هو حقه راپورت دهند که اسباب تصدیق و مذرت جوئی اعضاء اداره نکردند و دو مرتبه ما را بنوشتن رفع اشتباه و بیان واقع و اندازند و هر چه مینویسند بیان واقع و حقیقت امر باشد

تلکرافات خارجه

از لندن روزنامه جات فرانسه عموماً اظهارات و رای بر مخالفت مسافرت اعلیحضرت امپراطور آلمان بانگلستان درج نموده اند بلکه بالعکس چنین عقیده دارند که یکی از فواید این مسافرت تحبیب بین دولت آلمان و فرانسه خواهد بود بواسطه دولت انگلیس دولت ژاپون از حیث خطوط تلکرافی بر مملکت خاقانی اندکی رویه احجافی آمیز پیش گرفته چنانچه در ولایت ینگان و نواحی جنوبی خطوط تلکرافی تاسیس و برقرار نموده و علاوه آن خطوط را با خط تلکرافی راه آهنی که به بندر دالنی کشیده شده وصل نموده و از انجا ملحق بسیمهای بحری ژاپون میشود که بخود ژاپون و سایر نقاط عالم متداست دولت چین بر ضد این اقدام مقرون احجافی پرو تست نموده و لکن از قرار تلکرافی روتر مؤثر اثری نشده

اعلیحضرت امپراطور آلمان دو هزار لیره بمستخدمین عمارت و نیزر انعام مرحمت فرموده اند در شهر کالامیریا (در ایتالیا) زلزله حادث شده بحدی که اهالی بلاد فروزان از شدت وحشت باوجود باران سخت متوالی در زیر چادرها زندگی میکنند

مسیو فوزانکو صدر اعظم یرنگال که چندماه متوالی با تقویت سلطان بدون وجود پارلمان حکمرانی و رتق و فتق امور را نموده گماکان بهمان ترتیب رویه مشغول است امروز بجهت جلو گیری از انقلاب و اغتشاش بلتیکی اجتماعات رایگی قدغن و ممنوعی سخت درجرا بدمقرر داشته اند

(اعلان)

مدرسه فلاحت دولتی واقعه در ننگارستان از سه ساعت قبل از ظهر تا چهار بعد از ظهر مفتوح و برای پذیرفتن شاگرد مجاناً حاضر است — شرایط پذیرفته شدن شاگرد : سن کمتر از پانزده نباشد و مقدمات حساب و جبرافیا را تا يك اندازه دیده باشد (حسن الحسینی الکاشانی)

اقدر ظلم و تصدی کرد که عرایض کتبی و تلکرافی بدولت عرض کرده مارا دولت از او خارج و بدیگری سپرده مسلم است این اقدامات خلاف میل اسمالدوله بوده خصوص آنکه ما بین ایشان و رئیس تازه ما عداوت سابقه بوده مزید بر عرض شد و باین عداوت اسمالدوله دو دله باچریک بر سر ما ریخته تمام دارائی را برده زندهای ما را لخت و برهنه کرده دوازده نفر از ما را کشته زندهای ما در بیابان مثل حیوانات برهنه و کرسنه و خودمان دردهات جهان شاه خان متفرق مدتی بامید بودیم که جهان شاه خان برای ما کاری بکند بعد معلوم شد خودش هم عارض دارد و از او کاری پیشرفت ندارد لابد و ناچار هر کدام قدرت بر حرکت داشتیم از راه خارج و دور خودمان را بدار الخلافه رسانیده ایم و بر اثبات حقانیت خود احکام قطعی از حضرت حجه الاسلام آخوند ملاقر بانلی واستشهاد از محترمین اهل خمسه داریم و بلاوه مستدعی هستیم مأمور امین برود رسیدگی نماید ولی افسوس که داوری اسمالدوله با جهان شاه خان حقوق مارا هدر داده هر جا میرویم کسی بداد ما نمیرسد جهان شاه خان ظالم هست یا نیست چه ربطی بهملا ما دارد آیا محض اینکه چندی او رئیس ما بوده باید خون و مال ما حلال بشود از اداره حبل المتین مستدعی هستیم که عرایض ما را در جریده خودشان درج و نشر فرموده شاید بااین وسیله عموم ملت از واقعه مطلع و بهرض بیچارگان رسیدگی فرمایند بگصد هزار تومان اموال و خون دوازده نفر بیگناه بهدر نرود هر گاه این مرحمت را بفرمائید عند الله ضایع نخواهد بود (عارضین اهل دلا غرده زنجان) (مکتوب شهری)

خدمت مدیر جریده حبل المتین دام توفیق راپورت قزوین که حرکت وحشیانه عمار لورا بساعد السلطان حاکمی بود در شماره ۱۷۲ ملاحظه نموده از حضرت عالی متمنی است که معنی زد و خورد در بیان فرمایند آیا صاحب منصب دولترا با هفت سوار دولتی کشتن و نمشاشنرا برود خانه انداختن و از طرفی مرتکبین خون از دماغ کسی نیامدن معنی زد و خورد است ؟ که از قزوین با اداره جلیله اینقسم راپورت داده اند قطع نظر از خویشی بر حرم ساعد السلطان چون خود را هوا خواه اداره جلیله میدانم راضی نشدم که اینگونه قضیه بزرگ بطور خلاف و اغماض در نامه نامی درج شود اگر اولیاً دولت در کفر قاتلین تقابل نمایند دیگر هیچ يك از حکام و امرا امنیت جانی و مالی نخواهند داشت باکناه باین نرزیکی الان هم با مأمور دولتی مشغول جنکند (صدر الانام)